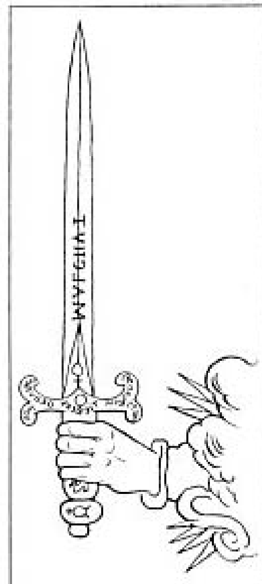
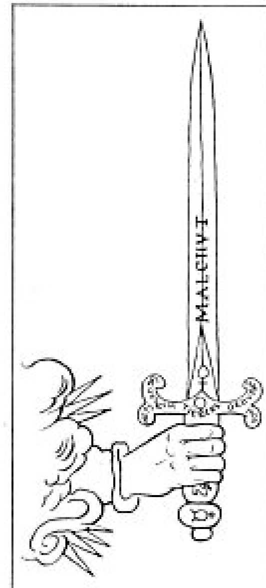
به نام آفریننده ی ثروت:

وبلاگ آموزش جادو





Http://Right.MihanBlog.com

توضیح آنکه: میخواستم مطلبی ساده در مورد ثروتمند شدن بنویسم، اما مطلب به درازا کشید و بحث هایی سنگین و مهم مطرح شدند پس مطالب را به چهار بخش تقسیم نمودم، تا هم درکش آسان شود هم خواندن و دسته بندی مطالب.
در ضمن خواندن این چهار بخش را علاوه بر جویندگان طلا! به کسانی هم که مایل به آموختن جادو هستند توصیه میکنم، زیرا مطالب گسترده اند و نکات بسیاری از جادوگری در آنان آمده.

رازهای ثروتمند شدن و *مراسم جادویی* آن:

میدونم که خیلی ها منتظر درس چهارم بودن، اما جادوگر این بار مسیر خودش رو عوض کرده تا به یک موضوع دیگه بپردازه.
به خاطر درخواست های زیادی که چه با ایمیل یا پیغام دریافت میکنم و همین طور یکی از مهمترین مسائلی که در دنیای واقعی باهاش مواجه میشم: **"ثروت"**.
خیلی ها بهم میگن درس های تو واقعا عالیه! اما این درس ها به چه درد ما میخوره در حالی که ما به خاطر یه لقمه نون باید از صبح تا شب بدویم. حق با شماست! انسان که روزی آفریده شد تا موجودی جادویی باشه حالا تبدیل به یه تیکه گوشت بی خاصیت شده، که به سختی روز رو به شب میرسونه.
شماها هم داستان ها و افسانه های قدیمی رو شنیدید، داستان رستم، غول چراغ جادو و هرکول رو، شما هم روزی مبهوت این داستان ها شدید و در رویاهاتون آرزو کردید.
آرزو کردید ای کاش غول چراغ جادو داشتید یا شایدم تو عالم بچگی فکر کردید که واقعا دارید!
بله دوستان من، این داستان همه ی ماهاست، همه ی ما در هر کجای کره خاکی که زندگی

کنیم در اعماق وجودمون یه حس مشترک هست یه چیز بخصوص که فریاد میزنه ما روزی موجوداتی جادویی بودیم، روزی سلطان بودیم و روزی میتونستیم. این فریاد در بچگی قویتر بود اما هرچه بزرگتر شدیم و مثلا عاقل تر، سعی کردیم این صدا رو خفه کنیم یا نشنیده بگیریم.
اما امروز من اینجام، تا بگم میشه! میشه به رویاهاتون برسید و مثل قارون ثروتمند بشید، به شما مراسمی می آموزم که در زمانی کوتاه اثری فوق العاده داره و شماها رو به سرعت ثروتمند و قدرتمند میکنه، همون طوری که روزگاری اجداد ما بودند.
اما قبل از مراسم و آئین ثروت، بگذارید چیزهایی به شما بیاموزم تا دلسرد نشوید و بیراهه نروید! این چیزها را یه جادوگر معمولی به شما نمی گوید، جادوگر فقط دعا یا طلسمی به شما میدهد، اما من پیش از آن چیزهایی به شما میگویم که حاصل "*دیدن*" است، دیدن بی واسطه، پس اگر از *بی پولی، قرض* و *بدبختی خسته* شده اید، اگر دیگر نمی خواهید کس دیگری *هدایت شما را به عهده بگیرد*، تصمیم قاطع و محکم بگیرید همین حالا، به خود بگویید: " تصمیم میگیرم هر چه را که *رایت* به من می آموزد به کار بندم و مسئولیت کامل این کار را به عهده میگیرم، زیرا ثروتمند شدن حق من است و این چیزی است که *واقعا* می خواهم."

قسمت اول:

حالا گوش کنید:
قبل از برانگیختن هر نیروی جادویی و متحد کردن دنیا با خودتان باید *بزرگترین* مانع را از سر راه خود بردارید و این مانع، خود شما یا بخشی از شماست! افکار و خاطراتی که روزی برای محافظت از شما شکل گرفتند، چیزهایی که خودتان یا دیگران به شما تلقین کردند، با گذشت زمان بر آنها گرد و غبار نشست و *شما* آنها را فراموش کردید اما *ذهن دوم شما*، فراموش نکرد و هنوز هم آنها را اعمال میکند و هر بار که بخواهید بر علیه اش شورش کنید یا دست به کار جدیدی بزنید شما را سرکوب میکند، زیرا روزی شما از او اینگونه خواستید، بگذارید برای روشن شدن موضوع مثالی بزنم:
فردی در کودکی گلدان گران قیمتی را میشکند، مادر از دست او عصبانی میشود و به اصطلاح از کوره در میرود، بر سر کودک فریاد میزند:"دست و پا چلفتی فقط بلدی خرابکاری کنی!" و کودک شرمسار این موضوع را میپذیرد و شاید باز در آینده بنا به دلایلی به او بگویند خرابکار یا حتی خود او، خودش را سرزنش کند تا حدی که این فکر وارد ذهن دوم یا همان ذهن پنهان او میشود و به او میگوید تو خرابکاری، روزگاری چند میگذرد و کودک بزرگ میشود این خاطرات برای او تمام شده اند اما برای ذهن دومش نه! زیرا ذهن دوم *وظیفه حفاظت از فرد* را به عهده دارد پس این فرد هر وقت که میخواهد کار مهمی انجام دهد ذهن پنهان دست به کار میشود و علائم خطر را میفرستد: هی! مراقب باش تو یه خرابکاری نباید به چیزی دست بزنی" و بعد معلوم است چه میشود... بله! فاجعه.

این خیلی ساده به نظر میرسد اما در مورد ثروت هم داستان بهتر از این نیست، آیا در بچگی حرف هایی از این قبیل را شنیده اید؟ "بچه مگه پول علف خرسه!، آخه مگه پول به این راحتی به دست میاید که راحت خرجش کنم، من واسه پول در آوردن جون میکندم و یا بدتر از اینها، من هیچ پول ندارم، گرفتارم، بدبختم و..."
بله، میدانم اینها و جملاتی شبیه این برای شما نیز آشناست، اینها جملاتی است که در بچگی از پدرتان یا اطرافیان شنیده اید اما این تمام ماجرا نیست، زیرا خودتان نیز در این ماجرا شریکید!
هر کدام از شما افکاری برای خود ساخته اید شبیه اینها:"پولدارها همه از راه حرام پولدار شده اند، با نون زحمت کشی که نمیشه میلیاردر شد!، اگه پولدار بشم همه دوستام رو از دست میدم، باید خیلی کار کنم! دیگه نمیتونم تفریح و استراحت کنم و ... ."
ممکنه خودتون از نیروی این افکار که به طور ناخودآگاه (یا خودآگاه) وارد ذهن دومتون کردید، آگاه نباشید اما ذهن دوم به قدری نیرومنده که میتونه تمام دنیا رو زیر و رو کنه یا خیلی ساده شما رو از دست یابی به اهدافتون باز داره!
خوب این طرح مشکل اصلی بود، خسته که نشدید! هنوز خیلی راه مونده:
اول: باید راه حل خلاص شدن از این افکار رو بیاموزید.(تهیه لیست و آگاه شدن)

دوم: شناخت سه خود (خود پایین تر،خود میانی و خود والاتر) و شناخت انرژی ها (مانا، مانا_مانا و مانا_لوآ)
سوم: فعال کردن انرژی ها و کمک گرفتن از سه خود.
چهارم: مراسم رایت جادوگر.

اول : تهیه لیست و آگاهی و اقتدار شخصی
جادوگران در زمان هایی از زندگیشون اقدام به تهیه لیست میکنن که این لیست معمولا به موضوعات سلامتی یا انرژی مربوط میشه، البته اونا به فرمان عقاب هم لیستی تهیه میکنن، اما ما میخوایم برای ثروتمند شدن و دست یابی به رویاها لیست تهیه کنیم، صادقانه بگم این مرحله ساده نیست و وقت میخواد، حتی کامل کردن لیست ممکنه چند روز طول بکشه، اما درست یادش بگیرید و انجامش بدید:
یه قلم و کاغذ بردارید، روی یک صفحه کاغذ چهار تا ردیف بکشید؛

در **ردیف اول** بنویسید، "افکار منفی من در مورد پول"، همه چیزهای بدی که در مورد پول به ذهنتان میرسد را بنویسید.
در **ردیف دوم** بنویسید، "اگه پولدار بشم چه چیزهایی رو از دست میدم"، صادقانه جواب بدهید از قوه ی تخیل هم استفاده کنید هر چه را که حتی احتمال میدهید در صورت پولدار شدن از دست بدهید بنویسید، حالا این میتونه پیژامه ی کهنه! دوستان یا حتی وقتهای آزاد شما باشه.
در **ردیف سوم** بنویسید،" تصورات مثبت من در مورد پول"، خوب توی این ردیف هم همه خوبی های پول را بنویسید.
در **ردیف چهارم** بنویسد،" اگه پولدار بشم چه کارهای خوبی میتونم برای دیگران انجام بدم"، اینجا هم باید صادق باشید و از قوه ی تخیل هم استفاده کنید.

این هم یه مثال که بدونید جدول باید چه شکلی باشه:

افکار منفی من در مورد پول:
اگه پولدار بشم چه جیزهایی رو از دست میدم:
تصورات مثبت من در مورد پول:
اگه پولدار بشم چه کارهای خوبی میتونم برای دیگران انجام بدم:

خوب حالا لیست شما آماده است در تهیه لیست عجله نکنید خوب فکر کنید اگه چیزی به ذهنتون رسید اضافه کنید یا اگه از چیزی خوشتون نیومد حذفش کنید، خوب ذهنتون رو بکاوید و پالایش کنید، فراموش نکنید موفقیت یا شکست شما بر پایه همین لیست بنا میشود.

پایان قسمت اول.

قسمت دوم:

حالا شما همه ی افکار منفی تان را راجع به پول میدانید، همه ترس ها و رویاهایتان را. حال باید دست به کار شوید و از لیستتان استفاده کنید:
آنچه مسلم است این است که باید افکار منفی را از ذهن دوم بزدایید، و افکار مثبتتان را راجع به ثروت یا هر رویای دیگری که دارید تقویت کنید.
اما هرگز سعی نکنید که افکار منفی تان را از نابود کنید یا با آنها بجنگید، زیرا همان طور که انیشتین میگوید: "ماده و انرژی هرگز نابود نمیشوند و فقط به هم تبدیل میشوند." پس تنها یک راه وجود دارد؛ افکار منفی تان را به افکار مثبت استحاله دهید یا به عبارت دیگر آنها را با افکار مثبت جایگزین کنید، با این مراسم که به شما می آموزم:

مراسم استحاله ی افکار و احساسات منفی به افکار و احساسات مثبت:
برگه های کوچکی آماده کنید و هر فکر منفی را روی یک برگه بنویسید آتشی برپا کنید، با دوستان یا افراد خانواده تان دور آتش حلقه بزنید(اگر شما تنها هستید یا ترجیح میدهید

باشید، میتوانید به تنهایی مراسم را برگزار کنید اما گروهی بهتر است) ابتدا خدایی را که میپرستید ستایش و شکر کرده، به خاطر آسیب هایی که نادانسته به خود و دیگران وارد کرده اید طلب بخشش کنید و از او کمک بخواهید سپس دعایی بخوانید هر چه که باشد بعد اولین برگه را با صدایی بلند بخوانید، سپس بگوئید که دیگر به آن باور احتیاجی ندارید و دیگر نمی خواهید آن باور را داشته باشید، کاغذ را در آتش بسوزانید، بعد باوری مثبت و *کوتاه* را جایگزین آن کرده به مراسم پایان دهید. برای فهم بهتر مثالی میزنم؛ من روی تکه کاغذی باورم را نوشته ام: "تنها از راه حرام میتوان پولدار شد." این باور را با صدای بلند میخوانم: (تنها از راه حرام میتوان پولدار شد) شما هم تکرار کنید میخواهم خوب یاد بگیرید، سپس میگویم من دیگر به این باور احتیاج ندارم دیگر نمی خواهم باور داشته باشم که تنها از راه حرام میتوان پولدار شد، فریاد بزنید بگذارید ذهن دوم خوب بشنود و از خواب بیدار شود فریاد بزنید یکبار فریاد زدن کسی را نکشته! در اینجای مراسم وضع شما درست مثل محکوم در بندی است که با تلاش و تقلا میخواهد خود را از بند برهاند، بعد کاغذ را در آتش بسوزانید بگذارید گرمایش تا مغز و استخوانتان نفوذ کند انگار آتش هم روزهای خوبی را نوید میدهد حالا گام آخر، بیان باور مثبت: "من باور دارم که از راه های خداپسندانه و نیک میتوان ثروتی هنگفت بدست آورد."
حالا با تکه کاغذ بعدی همین کار را انجام دهید تا همه ی آنها نابود شوند در پایان مراسم از پروردگارتان تشکر کنید اگر دوستانی همراه شما آمده اند از آنان نیز تشکر کنید و از آتش قبل از خاموش کردنش با این واژه ها تشکر کنید: (ای آتش پاک! از اینکه نیروی خود را در اختیار من قرار دادی و به من دمی الهی بخشیدی ترا سپاس میگویم، باشد که پروردگار ما را شکرگذار نعمت های خود قرار دهد، آمن!)

توجه داشته باشید! که این مراسم برای این طراحی شده که ذهن دوم را متوجه این موضوع کند که باوری که سالیان دراز در آن وجود داشته دیگر بی مصرف شده و باید با باوری نو جایگزین شود، و به علل متعدد و حتی مرموز، مراسم آتش بسیار بر ذهن دوم اثر میگذراد و آنرا فرمانبردار میکند، پس دوستان عزیزی که این مراسم را انجام میدهند توجه داشته باشند، که این مراسم باید درست و دقیق برگزار شود و همه ی واژه های آئینی درست همان طور که آمده اند باید مورد استفاده قرار گیرند، تا مراسم اثر جادویی خود را داشته باشد.

کلام آخر آنکه خلاص شدن از دست باور هایی که در طول سالیان دراز پدید آمده اند کار دشواری است و به اقتدار شخصی بسیار نیاز دارد، اما شما را به این پند دلگرم میسازم که اگر از این مرحله عبور کنید افقی روشن و نورانی در مقابل شماست و در زمانی اندک، کمتر از آنچه تصور میکنید به خواسته تان میرسید و وقتی رایت ساحر میگوید به خواسته تان میرسید واقعا منظورش همین است.

پایان قسمت دوم.

قسمت سوم:

ما موجودی واحد هستیم اما برای شناخت *بهتر وجودمان* را به هفت "خود" تقسیم میکنیم که عبارتند از: خودپایین تر، خود میانی، خود والاتر، روح، بدن های آکا، مانا و بدن فیزیکی.
چونکه برآورده شدن آرزوها با سه خود (پایینی،میانی و والاتر) در ارتباط است، ما نیز فقط راجع به این سه خود صحبت میکنیم و سایر خود را رها میکنیم.
برای به کارگیری سه خود و دست یابی به اهداف و آرزوها، ابتدا باید این سه خود و نیروهایی که با آنها کار میکنند را به خوبی بشناسید:

خود پایین تر: (Unihipili یا Ku)
وظیفه ی حفظ حیات و محافظت از بدن فیزیکی را بر عهده دارد، زخم ها را التیام می بخشد و باعث رشد لایه های فیزیکی است، به گفته ی کینگ: ((خود پایین تر پایه و چارچوب چیزی است که میتواند تغییر یابد و میتواند عقده های عاطفی هم داشته باشد.)) دریافت کننده و

مخزن اطلاعاتی است که از جهان اطراف بدست می آید، ذهن تجربی داشته، قیاسی می اندیشد، گنگ و لال است و با ایما و اشاره صحبت میکند.
از همه قدیمی تر است، به این خاطر که پست است یا چیزی کم دارد، خود پایین تر لقب نگرفته، بلکه به این خاطر خود پایین تر مینامیمش زیرا مرکز آن پایین تر از دو خود دیگر است.(در شبکه ی خورشیدی، جایی اطراف ناف)

خود میانی:(Uhane = روحی که میتواند صحبت کند.)
خود هشیار ماست که از طریق آن به زندگی روزمره می پردازیم، جادوگران به آن ذهن اول هم میگویند.
دلیل می آورد، اعمال اختیاری ما را اداره میکند، برای درک جهان فیزیکی و مادی اطراف از درک مستقیم بهره میبرد، آزاد است و اهداف را تعیین میکند، دارای حافظه کوتاه مدت است، اطلاعات جهان اطراف را که خود پایین تر ذخیره کرده، تحلیل میکند و تصوری از جهان اطراف به ما میدهد.
مرکزش در اطراف قلب است. در مقایسه با خود پایین تر میتوان این خود را معلم یا فرمانده و خود پایینی را شاگرد یا فرمانبردار نامید.

خود والاتر: (اوماکوا = Aumakua)
به آن روح یا "خود خداگونه" هم می گویند، ترجمه اش روح پدرانه ی معتبر یا روح پدر خیر اندیش و کاملا معتبر است.
برآورنده حاجات و شفابخش است. همراه و حافظ دو خود دیگر است، راهنما است، قدرت عینیت بخشی به قالبهای آکایی را دارد.
مرکزش در سر است. هرچند با شکوه و رهنماست به تنهایی از عهده ی حفظ حیات ما بر نمی آید.
نکته ی *مهم* در مورد رابطه ی سه خود آن است که خود میانی قادر به ارتباط مستقیم با خود والاتر نمی باشد بلکه خود پایین تر از طریق رشته ی آکایی با خود والاتر ارتباط برقرار میکند و خواسته های خود را از این طریق ارسال میدارد.
این از توضیح سه خود.
حال میرسیم به نیرویی که سه خود با آن به عمل میپردازند و انواع آن:

مانا (Mana) : نیروی خود پایین تر است. در حالت عادی از ترکیب تنفس و غذایی که میخوریم به دست می آید، پایین ترین ارتعاش را دارد (نزدیک به ارتعاش طبیعت.)
این نیرو برای بر آوردن آرزوها و حفظ حیات و سلامتی ما تاثیری حیاتی دارد، پی راههای کسب و نگهداری از آن باید خوب آموخته و به کار برده شوند. (که در ادامه توضیح داده میشود.)
مانا_مانا (Mana_Mana) : نیروی خود میانی است. از همان ترکیب تنفس و غذا به وجود می آید، نیروی اراده است که در تصمیم گیری به کار می آید، اراده ی محکم از فراوانی این نیرو حکایت میکند. ارتعاشی بیشتر از مانا دارد.
مانا_لوآ (Mana_Loa) : نیروی خود والاتر است. نیروی با شکوه وجود انسانی است. همه ی شفابخشی ها، معجزات و اعمال شگفت انگیز جادوگران با این نیرو انجام میگیرد. نیرویی است که با آن آرزوها برآورده میشوند. راه تولید مشخصی ندارد فقط در صورتی که سه خود هماهنگ باشند و راه بندی در میان نباشد این نیرو به وجود می آید.(البته در مورد تولید و تقویت این نیرو در قسمت چهارم بیشتر می آموزید.) دارای بالاترین حد ارتعاش است.

و اما در مورد راههای کسب مانا، ابتدا باید به تنفس اشاره کرد که بسیار مهم است. از دیرباز استادان معرفت در ادیان و فرقه های گوناگون به اهمیت تنفس پی برده اند و راه و روش درست نفس کشیدن را کشف کرده و به عنوان منبع عظیم انرژی از آن استفاده کرده اند.
در ابتدا توجه کنید که تنفس باید همیشه از راه بینی انجام گیرد، این واقعا مهم است.
همچنین باید هر روز چند دقیقه ای را به تنفس عمیق و آرام اختصاص دهید، هوا را از بینی آرام وارد کنید و همزمان شکم خود را کمی به داخل بکشید و سینه ی خود را باز کنید تا هوای بیشتری وارد ریه هایتان بشود سپس چند ثانیه مکث کرده بعد آرام هوا را خارج کنید و این عمل را چند بار دیگر هم تکرار کنید. این نوع تنفس، تنفس یک یوگی است.

تنفس دیگری که مخصوص جادوگران فرقه ی رام است، به این شرح که در فضایی باز بایستید سپس سر خود را رو به آسمان کنید، دستانتان را بگشایید، انگار که میخواهید کل کائنات را در بر بگیرید، سپس هوا را از طریق بینی وارد شش هایتان کنید، چند لحظه مکث بعد در حالی که _به صورت کش دار _ میگویید: "رام" هوا را از بینی تان آرام خارج کنید. این دو طریقه مختلف تنفس بود که هر روز چند بار یکی از آنها را باید انجام دهید، اما توجه کنید که مانا را با اکسیژن اشتباه نگیرید! بدون اکسیژن ما چند دقیقه زنده می مانیم اما بدون مانا حتی یک لحظه هم نمیتوانیم زنده بمانیم. پس علاوه بر نوع تنفس باید ذهنی آرام و متمرکز داشته باشید تا مانا جذب شود و گرنه تنفس بدون آگاهی به هر مقدار و هر شکل فاقد ارزش است. همین نکته است که تنفس یک جادوگر را با یک دونده متمایز میکند، به طوری که یک دونده هر چند در هر دم، مقدار زیادی اکسیژن را وارد بدن خود میکند اما هرگز نمیتواند معجزه کند یا شفا ببخشد!
پس موقع تنفس از *خرد درونی* خود استفاده کنید آرام و بی هیاهو باشید، و جریان مانا را در وجود خود نظاره کنید، اگر هر روز تنفس صحیح را تمرین کنید آگاهی تان افزایش یافته با هر نفس مانا ی بیشتر و بیشتری جذب میکنید.
در مورد غذا خوردن هم توجه داشته باشید، غذا را خوب بجوید، قبل از سیر شدن دست از غذا بکشید و سعی کنید هنگام صرف غذا تنها به غذایتان و نه مشکلاتتان! فکر کنید.
تنفس و غذا مهمترین راههای کسب مانا هستند اما برای کسب مانا راههای بیشمار دیگری هم میتوان پیشنهاد کرد مانند اینها: قبل از غذا از آفریننده ی خود سپاس گذاری کنید، دستورات دینی خود را انجام دهید، مراقبه کنید، در زندگی همیشه راه درست را برگزینید، و مهم تر از همه راه خود را در زندگی بیابید، مهم نیست دیگران از شما چه میخواهند، راه خود را بروید، خدایتان ناظر شماست پس بهایی ندارد که خود را بفرسایید یا بیهوده نگران باشید.

علاوه بر راههای کسب مانا باید توجه داشته باشید که حفظ و نگهداری مانا ی کسب شده هم بسیار اهمیت دارد، خود پایین تر با زبان بدن شما را یاری میدهد مثلا وقتی مانا در حال هدر رفتن است شما احساس سر درد، بی حوصلگی، دلشوره یا اضطراب میکنید، حتی ممکن است احساس کنید که دوست دارید از کسی فاصله بگیرید یا محلی را ترک کنید، وقتی چنین احساس هایی دارید اگر چشم خود را ببندید و در آرامش باشید به وضوح میبینید که مانا در حال هدر رفتن است پس شجاعت و هوشیاری داشته باشید، هر کاری که لازم است انجام دهید تا مانایتان را حفظ کرده، از هدر رفتنش جلوگیری کنید.

خب حالا شما تصوری کلی از سه خود، عملکرد و نیروهایشان دارید، اگر کمی گیج شدید و نکته مبهمی وجود دارد دوباره بازگردید و این بخش را مطالعه کنید، در هر حال برای دعا و مراسممان به اینها احتیاج خواهیم داشت داریم.

پایان قسمت سوم.

قسمت چهارم:

در اینجا میخوام طریقه ی برآورده شدن آرزوها رو از طریق *سه خود* شرح بدم، بعد مراسم دعا و فعال کردن انرژی و در پایان هم *مراسم "جادوگر رایت"* برای ثروتمند شدن:
از اینکه هنوز با من همراه هستید خوشحالم و از اینکه احساس مسئولیت میکنید و تصمیمی قاطع گرفته اید، دیگر چیزی تا پایان راه نمانده.
اگر شما به درستی *موانع*، *سدهای فکری* و *تعارضات* را از بین برده باشید "خودها" ی شما به طور طبیعی و هماهنگ با هم عمل میکنند، بیماری های شما خود به خود شفا میابد! و شما سلامتی کاملتان را بدست می آورید و انرژی تان به طور چشمگیری افزایش میابد و آمادگی دستیابی به دور و درازترین اهدافتان را نیز میابید.
در این حالت که سه خود شما هماهنگ عمل میکنند و دیگر تعارض یا فکر منفی در خود پایین تر وجود ندارد، معمولا خواسته ها و آرزوهای شما خود به خود برآورده میشود و دیگر نیاز به کار اضافی نیست، اما اگر این طور نشد باید خودتان دست به کار شوید و خواسته تان را ابراز

کنید، که برای این کار به شما مراسمی می آموزم اما قبل از آن باید با طریقه ی عملکرد سه خود در برآوردن آرزوها آشنا شوید:
وقتی شما خواسته ای را ابراز میکنید، این خواسته باید با مانا_مانا (نیروی اراده) قوت گیرد و از خود میانی به سوی خود پایین تر ارسال گردد، در این حالت خواسته ی شما همانند بذری است که در زمین خود پایین تر کاشته میشود، حالا باید با مانا آبیاری شود، اگر شما خواسته تان را به درستی آبیاری کنید و سد و راه بندی هم در کار نباشد خود پایین تر آرزوی شما را برآورده میکند ولی اگر توانایی این کار را نداشته باشد خواسته را همراه مانا به خود والا تر ارسال میکند، اگر خواسته توسط خود والاتر اجابت شود، نیروی با شکوه مانا_لوآ فعال شده، آرزوی شما به طرز معجزه آسایی برآورده میشود.
حال در ادامه روش کاشتن بذر آرزو در خود پایین تر و صعود آن به خود والاتر و سایر مسائل لازم خواهد آمد.

روش شرح داده شده در زیر، روشی ویژه برای برای برآوردن هر آرزویی است که جادوگران کشف کرده در طول قرون و اعصار سینه به سینه منتقل گشته، برای عمل کردن به این مراسم باید بدانید که *چه میخواهید* و چطور میتوانید خواسته تان را از تعرضات و *افکار منفی پاک* کنید.
توجه**:** خوب دقت کنید که این مراسم پایه و اصول ثروتمندی و برآوردن هر آرزویی است.

دعا و فعال سازی:
زمانی مناسب از روز را انتخاب کنید، زمانی خالی از هیجان و شلوغی، زمانی که ذهن و بدنتان بتوانند در آن آرام گیرند. (صبح زود یا هنگام غروب آفتاب پیشنهاد میشود، ساعات آخر شب هم اگر خواب آلود نباشید مناسب است.)
ابتدا کمی آرام گیرید سپس دعا کنید و به خاطر آسیب هایی که به خود و دیگران زده اید طلب بخشش کنید، حالا وقت جذب مانا است، به تنفس خود *توجه کنید* آرام و عمیق و از بینی نفس بکشید، در آرامش و راحتی فرو بروید، فرقی نمیکند نشسته یا خوابیده تمرین میکنید فقط *آسوده* باشید زیرا در این حالت است که دروازه های خود پایین تر برای پذیرش خواسته تان گشوده میشود، حالا تصویری واضح و روشن از چیزی را که میخواهید تصور کنید (مثلا تصور استخری پر از طلا و شما در وسط آن!) این تصویر را کمی نگاه دارید، آنرا بخواهید و باورش کنید، حال اگر راه بندی بین خود میانی و پایین تر نباشد و تعرضی پیش نیاید این تصویر وارد خود پایین تر میشود، حالا بذر آرزویتان در خود پایین تر کاشته شده و با تنفس و عبادتی انجام داده اید مانای لازم را هم در اختیار دارید، حالا باید به کمک این مانا خواسته تان را به خود والا تر صعود دهید اما لحظه ای صبر کنید! همان طور که امواج قدرتمند خورشید تا توسط *ذره بین* متمرکز نشوند، قادر به سوزاندن کاغذی نیستند، نیروی مانای شما هم باید متمرکز شود، این مرحله ی مهمی است، ذهنتان را روی خواسته تان متمرکز کنید، میدانم که کار دشواری است اما همان طور که در مبحث مراقبه گفتم باید افکار مزاحم را به حال خود رها کرد و به فکر اصلی پرداخت، ذهنتان را خوب متمرکز کنید، بگذارید خود پایین تر بداند خواسته ی شما جدی است! فقط به خواسته تان توجه کنید، انگار که هیچ زندگیی در بیرون جریان ندارد، فقط شمایید و خواسته تان، هر چقدر وقت لازم است صرف کنید، وقتی که ذهنتان خوب آماده شد، تصویر ذهنی خواسته تان را مجسم کنید و با این واژه ها به خود پایین تر دستور دهید: ((ای خود پایین! آرزوی مرا به سوی خود والاتر ارسال کن.)) اگر تصویر شما از آرزویتان واضح و مشخص باشد و با ایمان و باور به خود پایینی دستور دهید، این خواسته برای خود والا تر ارسال میشود، و در این هنگام است که خود والاتر شروع به کار میکند، کل کائنات با شما همدست شده، انرژی با شکوه مانا_لوآ به جریان می افتد،خواسته تان به شکل نادیده در آکا قالب گیری میشود و همانطور که گفتم خود والاتر قدرت و دانش "جامد کردن" یا "عینیت بخشیدن" قالبهای آکایی به صورت *ذرات فیزیکی* را دارد، پس وقتی خواسته تان به شکل آکایی (اثیری) شکل بگیرد، فقط زمان لازم دارد تا به صورت مادی در آمده به سوی شما بازگردد.
پس از اینکه خواسته تان توسط خود والاتر اجابت شود، حالات خاصی به شما دست میدهد، هنگام اجابت آرزویتان خودتان میفهمید. اگر خواسته تان توسط خود والاتر اجابت شود حالات خاصی به شما دست میدهد(مثل احساس سبکی، عشق، جمع شدن اشک در چشمانتان یا تمایل به عبادت و شکرگذاری و خیلی حالات دیگر که برای هر شخص تفاوت دارد). "تازه کارها" ممکن است فورا این مسئله را نفهمند اما کمی که با تجربه شوید، در درک این موضوع ماهر میشوید.

نکته مهم: فورا بعد از اتمام مراسم، به زندگی عادی بازنگردید زیرا این کار خود پایین تر را در گیر مسائل روزمره کرده از اتمام کارش باز میدارد، بهتر است نیم یا یک ساعت بعد از مراسم را در آرامش به سر ببرید.

و اما چند نکته در مورد این مراسم:

1. اگر شما قادر نیستید که از قوه ی تصور بهره ببرید یا این روش را موثر نمی یابید، میتوانید همین مراسم را انجام دهید، اما به جای تجسم آرزویتان، بعد از متمرکز کردن مانا جمله مثبت و کوتاهی را (مثال: من مثل قارون ثروتمند میشوم.) را سه بار با لحنی جدی، آرام و سرشار از ایمان بیان کنید.

تکرار این جمله در زمان های مختلف روز _علاوه بر زمان مراسم_ بسیار سودمند است، منتها دقت کنید که از کلمات یکسان استفاده کنید وگرنه خود پایین تر به علت ذهن قیاسی که دارد سر در گم شده و نتیجه مورد نظر به دست نمی آید یا به طور ناقص بدست می آید.

2. زمانی که این مراسم را انجام میدهید، خود پایین تر باید کاملا بیکار باشد.پس معده ی شما باید خالی و هیچ غذای برای هضم شدن وجود نداشته باشد. روزه گرفتن هم موثر است.

3. مهمترین عامل برای برآورده شدن آرزویتان این است که خود پایین تر این آرزو را باور کند و همان طور که گفتم خود پایین، گنگ است و منبع اطلاعاتش فقط شمایید پس کاری کنید که خواسته تان را باور کنید، قصد امتحان مراسم را نداشته باشید زیرا فقط خودتان را امتحان میکنید، جنبه ی دیگری که باید بسیار به آن توجه کنید این است که عده ای فقط موقع انجام مراسم باور دارند، بعد به زندگی عادی خود بازگشته و دعایشان را فراموش میکنند یا چون صبر ندارند، با ناباوری کار خود پایین و خود والاتر را مخدوش میکنند اما بدانید خود پایین همیشه به مانا احتیاج دارد تا خواسته تان را آبیاری کند پس از "نهال خواسته تان" آب را دریغ نکنید.

4. یکی از مشکلات کسانی که این مراسم را انجام میدهند، کمبود ماناست، اگر شما هم احساس کردید دعای شما انرژی لازم را ندارد، باید از روش های دیگری نیز بهره ببرید که جادوگران به اصطلاح به آن "نفس دادن" میگویند، برای نفس دادن به دعایتان میتوانید از موسیقی آرام و ملایم، رقص و حرکاتی ساده و مفرح، شستن دست و پا و آب ریختن به بدن بهره بگیرید، گمان میکنم مسلمانان و مسیحیان مشکلی در این زمینه نداشته باشند.

5. فراموش نکنید، خود والاتر برای برآوردن آرزویتان به زمان نیاز دارد، تا به تنهایی بر روی آرزوتان کار کند پس بی جهت بی تابی و پافشاری نکنید و بگذارید خود والاتر کارش را انجام دهد در عین حال در سکوت، مشتاقانه و با ایمان منتظر برآوردن آرزوتان باشید.

6. برای برآورده شدن آرزویتان و نشان دادن این موضوع به خود پایین تر که شما در درخواستتان جدی هستید، میتوانید از قربانی کردن استفاده کنید، اما نه هر قربانی بلکه چیزی که برای شما مهم است را قربانی کنید، این طوری خود پایین تر میفهمد که خواسته ی شما آنقدر مهم است که برای رسیدن به آن از چیزی که برایتان عزیز است گذشتید، پس او هم خواسته ی شما را جدی میگیرد و آن را برای خود والاتر ارسال میدارد، فراموش نکنید تا خود پایینی متقاعد نشود که خواسته ی شما با ارزش است آن را برای خود والاتر ارسال نمیکند!

البته جادوگران در مراسم قربانی از وسایلی استفاده میکردند که خود دارای نیرو یا همان مانا بودند که موقع قربانی آن نیرو آزاد میشد و برای برآوردن آرزو به خود والاتر ارسال میشد، چیزی هم که شما قربانی میکنید در صورتی که از نظر خودتان با ارزش باشد توسط خود پایین تر دارای همان نیروی جادویی و مرموز میشود، نیرویی عظیم برای برآوردن آرزویتان. البته اگر این قربانی خود دارای نیروی جادویی مانا باشد یا به افراد دیگری سود برساند نیروی عظیم تری برای برآورده شدن آرزوی شما خلق میشود.

در ایران و خیلی مناطق دیگر جهان، مراسم قربانی کردن چیزی (نذر)، برای برآورده شدن آرزو رسم است، فقط توجه کنید که چیزی با ارزش را قربانی کنید و هر چه که ایمان شما به مراسم قربانی کردن بیشتر باشد و این قربانی شما به افراد بیشتری سود برساند مانای عظیم تری تولید میشود که برای برآوردن *خواسته ی واضح* شما به کار می رود.

7. در صورتی که خود والاتر از عهده ی اجابت خواسته تان بر نیاید، خواسته ی شما به جهان های والاتر، به **پوئه اوماکوا** (1) ارسال میشود.

مراسم و دعای جادوگر رایت:

در یک کاغذ دراز صد بارِ بنویس ((**أمَن یُجِیبُ المُضطَرّ إذا دَعاهُ وَ یَکشِفُ السُّوء**)).
اگر جا نشد پشت کاغذ هم میتوانی بنویسی. (با جوهر)
بعد کاغذ دراز را به دور آهن ربایی بپیچ و در دست راستت بگیر، بعد در دست چپت لامپ یا هر چیز نورانی دیگر مثل جواهر و ... را بگیر، فقط باید گرد و نورانی باشد مثل ماه.
بعد رو کن به آسمان و دست هایت را بالا ببر و بگو:
((خدایا! من روشنایی روحم و عجز و ناتوانیم را به تو تقدیم میکنم، کمکم کن ثروتمند شوم.))

نکته: این مراسم توسط نویسنده و در حال بینش و شهود، ساخته شده و برای اولین بار است که منتشر میشود و هرگز نزد هیچ کس و هیچ کجای دیگر نظیر آن را نمی یابید.

---

(1) پوئه اوماکوا =خدایی که پدر است یا همراهی بزرگ اوماکوا.

پایان قسمت چهارم.

پیام نهایی آیات انجیل: ((بخواه به تو داده خواهد شد، جستجو کن خواهی یافت، در را بزن به روی تو باز خواهد شد.))
((گفت پیغمبر که چون کوبی دری / عاقبت زان در برون آید سری))



Be Blessed be
Book of Shadows,
- **Blessed Be**

A term derived from the ritual of the Five-fold Kiss, it is simple a blessing commonly used by wiccans and pagans as a greeting or a goodbye. Abbreviated as BB or B*B.

Signed By Right The Magician